«ایران» به بهانه ضبط یک ویلای ۴ هزار میلیارد تومانی از متهم ردیف اول پرونده «چای دبش» بررسی می کند

پول‌های «کثیف» کجا «شُسته» می‌شوند؟

تصویر ویلای ۸ هزارمتری متهم چای دبش که زمین گلف هم دارد، در «میزان» منتشر شد

گزارش

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

قوه قضائیه روز گذشته اعلام کرد یک ویلای ۸هزار متری متعلق به اکبر رحیمی درآباد متهم ردیف اول پرونده چای دبش که قیمت اولیه آن ۴ هزار میلیارد تومان اعلام شد، به نفع دولت ضبط شده است. نکته جالب گزارش قوه قضائیه، این بخش است که رحیمی درآباد این ملک را وسط رسیدگی قضایی به پرونده به تمام یکی از کارمندان خود برده بود.

به گزارش «میزان»، رحیمی در مراحل رسیدگی به پرونده و برای فرار از پرداخت حقوق بیت‌المال، اموال خود را به نام افراد دیگر از جمله اقوام و کارمندان خود کرده بود. در یک نمونه، در پرونده رسیدگی به پرونده چای دبش در دادسرا و شناسایی اموال متهمان پرونده مشخص شد رحیمی درآباد یک ویلای ۸ هزار متری در منطقه ... قصه منفلوات است. بخش عمده پول‌هایی که در این پرونده از روش‌های خلاف و نامشروع به دست آمد، صرف خرید ملک، ویلا و آپارتمان شد.

متشابه پول‌های کثیف در چای دبش

متشابه پول‌های کثیف در پرونده فساد چای دبش، ازرهای دولت و سپرده‌های ملت در بانک‌ها بود. در مرحله اول متهمان توانستند نوعی انحصار در واردات چای ایجاد کنند. یعنی از شهریور ۱۴۰۰ تا زمان کشف، بیش از ۹۰ درصد ارزی که وزارت جهاد کشاورزی وقت برای واردات اختصاص می‌داد، به شرکت چای دبش تعلق می‌گرفت.

این میزان انحصاری چنبه برابر نیاز سالانه کشور بود. باوجود این ۸۰ درصد از چای به یک شرکت و ۲۰ درصد به بقیه شرکت‌ها داده می‌شد. توجیه وزارت جهاد کشاورزی وقت به شرکت چای دبش به گونه‌های بود که به گمرکی، «میزان»، در اردیبهشت ۱۴۰۱ در حالی که وزارت جهاد کشاورزی اولویت تخصیص ارز را برای چای اختصاص داده بود، کشور داشت، نسبت به دریافت تسهیلات ریالی اقدام می‌کرد.

این شرکت اقدام به ثبت سفارش‌های متعددی در حوزه واردات چای، با اظهار قیمت‌های چندبرابری برای ارزش واردات چای بی‌کیفیت می‌کرد. که پس از دریافت تسهیلات مذکور، نسبت به دریافت ارز مربوطه در صرافی‌های خارج از کشور اقدام کرد. اما از آنجایی که قیمت ارز تخصیص یافته به شرکت، عمدتاً تفاوت قیمت چندین برابری با نرخ بازار آزاد داشت، این شرکت در قدم اول، به فروش بخشی از ارز دریافتی در امارات به نرخ بازار آزاد اقدام می‌کرد. از این طریق، توانست «ریال» تعهدات بانکی را به صورت زنسان و در زمان معین تصفیه کند. اما بانک‌های داخلی شرکت دبش را به عنوان مشتری خوش حساب قلمداد می‌کردند و در دریافت تسهیلات بعدی نیز شرکت دبش امتیاز بالاتری داشته و در اولویت بوده است.» به نظر خلاصه، کاری که این شرکت در طول سال‌های ۱۴۰۱ تا زمان کشف می‌کرد، این بود: [illegible]

بهانه واردات ماشین‌آلات چای از وزارت صمت، آن هم برای شرکت‌هایی که حتی زمین هم نداشتند، چه رسد به سایلو به گفته فولادی بازپرس پرونده، «در زمان وزیر جهاد کشاورزی وقت به‌طور متوسط روزانه بیش از ۴ میلیون سوبرو ارز به چای اختصاص داده می‌شد.» باز هم به گفته فولادی که در «میزان» منتشر شد، «وقتی جلوی ثبت سفارش چای در وزارت جهاد کشاورزی وقت گرفته شد، در یک چرخش قابل تأمل، ثبت سفارش از کالای چای در وزارت جهاد کشاورزی به ماشین‌آلات در وزارت صمت تغییر کرد. از مردادماه ۱۴۰۱ تا اسفندماه همین سال، وزیر وقت صمت بیش از یک میلیارد و ۲۴۴ میلیون دلار ثبت سفارش دبش را تأیید کرد.»

قانون دوزیر به حکم زندان خود اعتراض کرده و درخواست آماده دادرسی داده‌اند. اما سؤال مهم‌تر این است: با توجه به حجم بالای پولی که در این فساد جابه‌جا شد، چرا هیچ یک از سامانه‌ها، از سامانه‌های تجارت تا سامانه‌های بانکی نتوانستند وقوع فساد را تشخیص دهند؟

زیرا در این پرونده‌ها پول‌های کلانی جابه‌جا شده و برخی ناگهان به ثروت‌هایی دست یافته‌اند، چرا سامانه‌ها و سیستم‌های بانکی و دیگر شیوه‌های شناسایی و کشف فساد و مبارزه با پولشویی، در این زمینه موفق نبوده‌اند؟ ازسوی‌دیگر، راه مقابله با فساد، تقویت ظرفیت‌ها و امکانات شناسایی فساد در مراحل اولیه است، نه در انتهای پرونده. به این معنی که نظام‌های داده‌ها و سامانه‌های مختلف، از سامانه جامع تجارت تا سامانه‌های بانکی باید این طرح و توانایی شناخت داشته باشند تا منشأ همه پول‌ها را شناسایی و جلوی سرریز مفاسد را در همگام وقوع آنها بگیرند. از این رو سؤال زاید این گونه طراحی کرد که چرا سامانه‌های موجود، از جمله سامانه جامع تجارت یا سایر سامانه‌های بانکی نتوانستند این فساد را در اولین‌ای شکل‌گیری خود شناسایی کنند؟

به عنوان مثال، آیا نظام بانکی کشور متوجه افزایش ناگهانی گردش مالی و افزایش ناگهانی میزان سپرده‌های متهم ردیف اول یا سایر متهمان نشد؟ یا در سوالی دیگر، آیا سامانه‌های موجود در بانک مرکزی و وارنجانه‌ها از ابتدا نتوانست تشخیص دهد که بیش از ۸۰ درصد چایی که قرار است وارد کشور شود و نیز بیش از ۸۰ درصد از واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی چون چای، فقط به یک شرکت و یک نفر و شرکت‌های زیرمجموعه‌اش پرداخت می‌شود؟

در این پرونده، محکوم شدن وزیر جهاد کشاورزی دولت سیزدهم و وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت سیزدهم، به همراه محکوم شدن برخی مدیران بانک‌های دولتی و غیردولتی به اتهام دریافت رشوه و پرداخت وام‌ها و تسهیلات خارج از ضابطه، نشان داد که مدیران و افراد می‌توانند سامانه‌ها را دور بزنند یا کاری کنند که سامانه‌ها و سیستم‌های طراحی شده برای مقابله با فساد از کار بیفتند.

اما در مجموع، حتی اگر این مدیران سابق چنین خدمات غیرقانونی به مدیران شرکت چای دبش داده باشند، مسأله این است که گستره این فساد روی پرده و شبکه‌ها و سامانه‌ها و بانک‌ها و نظام داده‌ای بسیاری را شامل می‌شده است.

از این رو آنچه این انتظار طبیعی است که حداقل یکی از این سامانه‌ها می‌بایست زنگ هشدار را به صدا درمی‌آورد. آیا به جای سامانه‌ها، این وزارت اطلاعات دولت سیزدهم و نیز نامه دادخواهی فعالان صنعت چای بود که با گزارش‌های مکتوب خود، به مسئولان ارشد دولت و قوه قضائیه هشدار دادند. بنابراین، می‌توان از درس بزرگ فساد بزرگ چای دبش دریافت که نقص بزرگ همچنان در سامانه‌های ماست، سامانه‌هایی که نمی‌توانند پول‌های کثیف را شناسایی کنند. پس مسأله این است که باید به سمت FATF داخلی رفت.

اطلاعات مالی؛ نظاره‌گر بزرگ فساد دبش

یادداشت

فرشید فرحناکیان
وکیل دادگستری

در چهارمین جلسه رسیدگی به پرونده موسوم به چای دبش، پولشویی، معاونت در پولشویی و تحصیل مال نامشروع از جمله جرایم متهمان این پرونده عنوان شده بود. این پرونده یک حلقه تلخ سال‌های ۱۴۰۱ تا زمان کشف می‌کرد، این بود. [illegible]

سطح سیاست‌گذاری و با فضای مدیران بالادستی شکل می‌گیرد، چنین مرکزی نمی‌تواند رنگ خطر را به صدا درآورد. دوم: چون بانک‌ها گزارش مشکوک را با ارسال نکردند یا به‌صورت صوری فرستادند، درحالی‌که تخصیص ۳۰۰ میلیون دلار پس از دستور توقف، باید به عنوان معامله مشکوک ثبت و ارسال می‌شد. عملاً هیچ گزارشی به مرکز نرفت؛ این یعنی ضعف جدی در ضمانت اجرای قانونی [illegible]

ندانست، بدون گزارش مشکوک در سامانه‌های مرکز جریان پیدا می‌کند، معنای حقوقی آن روشن است: سامانه‌های مالی در کشور باید، در عمل به شیوه‌ای برای رفع تکلیف، اداری و پوشاندن ناکارآمدی، ساختاری تبدیل‌شده است. این وضعیت، مصداق نقض اصل «شفافیت و پاسخگویی نهادی» است که در همه اسناد بالادستی مبارزه با فساد بر آن تأکید شده است. پرونده فساد چای دبش یک‌بار دیگر این واقعیت را عریان کرد که مبارزه با فساد نه با شعار و قانون‌نامه، بلکه تنها [illegible]

جوابیه مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد به گزارش «ایران»:

شبکه پولشویی متهمان پرونده چای دبش شناسایی شد

جوابیه

به دنبال انتشار گزارشی در روزنامه ایران درباره پرونده چای دبش و طرح سؤال‌هایی درباره چرایی شناسایی و ردیابی نشدن پولشویی‌ها و فسادهای متهمان این پرونده، مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی جوابیه‌ای برای روزنامه ایران ارسال کرد. این جوابیه دربرگیرنده اقدامات لازم برای «شناسایی شبکه پولشویی مرتبط با متهمان و ردیابی اموال و دارایی‌های این شبکه از سوی مرکز اطلاعات مالی» است که پس از شناسایی، برای توقیف اموال به مرجع قضایی معرفی شده است. باوجود این، از آنجا که در جوابیه این نهاد می‌توان شواهدی از برخی ابهامات در روند حکمرانی داده‌محور و مقابله افراد مسأله‌دار با فسادهای اقتصادی را یافت، روزنامه ایران با انتشار این جوابیه، بخش‌ها و جزئیات این جوابیه را نیز بررسی می‌کند. هدف از این بررسی، کمک به شناسایی مشکلات و رفع آنهاست. متن جوابیه مرکز اطلاعات مالی به این شرح است:

باسمه‌تعالی

مدیرمسئول محترم روزنامه ایران

بازگشت به یادداشت منتشر شده در صفحه ۳ آن روزنامه مورخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ با عنوان «اطلاعات مالی؛ نظاره‌گر بزرگ چای دبش» که حاوی نکات مثبت و منفی بود، نکات ذیل جهت تنویر اذهان و انتشار ارسال می‌شود:

۱- مرکز اطلاعات مالی به موازات تکمیل و به‌روزرسانی سریع و چابک زیرساخت‌های مقرراتی، نرم‌افزاری و هوشمندسازی داده مبنا، اقدامات گسترده و متعددی در مبارزه با شبکه‌های فساد اقتصادی، پولشویی و تأمین مالی تروریسم انجام داده است که بسیاری از آنها قابلیت طرح در فضای رسانه‌ای را به دلیل محرمانگی ندارد. در خصوص پرونده چای دبش، جامع‌ترین و کامل‌ترین گزارش‌های موردنیاز مرجع قضایی مشتمل بر ۱۱ گزارش مکتوب با بیش از ۱۰۰۰ برگ سند دقیق و مستدل از فعالیت‌های شبکه مرتبط متهمان با تقاطع‌گیری بیش از ۱۵ گیگابایت اطلاعات مالی تهیه و برای قوه قضائیه ارسال شد. همچنین شبکه پولشویی مرتبط با متهمان ردیابی و اموال و دارایی‌های این شبکه توسط مرکز اطلاعات مالی شناسایی و جهت توقیف به مرجع قضایی معرفی شد.

به‌تبع آن در راستای آسیب‌شناسی، گلوگاه‌های ایجاد فساد در چای دبش شناسایی و به نهادهای ذی‌ربط گزارش شد و پیگیری اصلاح فرآیندها و تعاملات کاری پرخطر و مستعد بروز جرایم منشأ پولشویی در دستور کار مرکز اطلاعات مالی قرار گرفت.

۲- تدوین، ابلاغ و به‌روزرسانی مستمر شاخص‌های معاملات مشکوک همچنین به‌روزرسانی فهرست اشخاص پرخطر و تحت مراقبت منجر به دریافت بیش از ۸۰ هزار گزارش مشکوک به پولشویی شده است.

با هدف پیشگیری از جرایم منشأ پولشویی، پولشویی و تأمین مالی تروریسم، راه‌اندازی واحدهای مبارزه با پولشویی در اشخاص مشمول، تدوین پیش‌نویس اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی، تهیه پیش‌نویس آیین‌نامه مقابله با تأمین مالی تروریسم، ابلاغ سازوکار تعیین مدارک شناسایی معتبر هویتی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، تهیه دستورالعمل الزامات اجرایی تعیین سطح فعالیت مشتریان مؤسسات اعتباری، همکاری با اشخاص مشمول و دستگاه‌های متولی نظارت برای آموزش و توانمندسازی کارکنان و حداقل ۱۵ اقدام پیشگیرانه و مؤثر دیگر در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ صورت گرفت که گزارش‌های آن در رسانه‌ها منتشر و در تارنمای مرکز نیز قابل مشاهده است.

۳- لزوم دسترسی مرکز اطلاعات مالی به داده‌های سازمان‌های مختلف مهم و اساسی است. با پیگیری‌های به‌عمل‌آمده در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، امکان بهره‌برداری مرکز از ۴۴ سامانه فراهم شده و پیگیری دسترسی به ۲۳ سامانه ادامه دارد.

۴- در سال گذشته پرونده ۲۸۸ شخص حقیقی و حقوقی مشکوک به فعالیت پولشویانه با بیش از ۵۰۰ همت تراکنش به دستگاه قضایی ارسال شده که در تاریخ مرکز بی‌سابقه است. علاوه بر این بیش از ۹۰۰ پرونده فرار مالیاتی که بالغ بر ۹۰ هزار نفر درگیر آن بوده‌اند، به سازمان امور مالیاتی جهت رسیدگی ارسال و با همکاری بانک مرکزی حساب‌های بیش از ۵۰۰ فرد حقیقی و حقوقی مشکوک به پولشویی در سال گذشته شناسایی و مسدود شده است.

لازم به ذکر است که مرکز اطلاعات مالی همواره پاسخگوی رسانه‌های مختلف بوده و خواهد بود و امید است با همگرایی و هم‌افزایی تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای، اطلاعاتی و عملیاتی شاهد تسریع و تسهیل فرآیند تکمیل زیرساخت‌های این مرکز به‌عنوان مهم‌ترین دستگاه تقاطع‌گیری اطلاعات اقتصادی کشور باشیم.

روابط عمومی مرکز اطلاعات مالی

«ایران» به بهانه جوابیه مرکز اطلاعات مالی بررسی می کند

اراده سیاسی ابزار غلبه بر چالش های اداری شفافیت مالی

گزارش

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

۲۹ شهریورماه بود که خبرگزاری «میزان» اعلام کرد یک ویلای ۸هزار متری متعلق به متهم ردیف اول پرونده چای دبش، به ارزش ۴ هزار میلیارد تومان شناسایی و ضبط شد. در این گزارش آمد که «اکبر رحیمی درآباد» مالک شرکت چای دبش، درست وسط رسیدگی قضایی به این پرونده، این ویلا را به یکی از کارمندان خود منتقل کرد تا از دسترسی قضایی مصون بماند، اما قوه قضاییه ملک را شناسایی و ضبط کرد. به دنبال این گزارش، روزنامه ایران نیز ۳۰ شهریورماه در گزارشی با عنوان «پول‌های کثیف کجا شُسته می‌شوند؟» این سوال را مطرح کرد که «در عصر داده‌ها، سامانه‌ها و سازوکارهای فنی مقابله با فساد، چگونه فساد چای دبش با این ارقام کلان رخ داد که کسی متوجه آن نشد؟» رویکرد گزارش روزنامه ایران بررسی این مساله بود که «چه ضعف‌های ساختاری در نظام داده‌ای و سامانه‌ها یا شیوه‌های مقابله با پولشویی وجود دارد که در ابتدای مسیر جلوی این فساد بزرگ گرفته نشد، آن هم وقتی پول‌های درشتی جابجا می‌شد؟ ضعف‌ها چه بود که متهم ردیف اول وسط دادگاه توانست اموال خود را جابجا کند؟» جوابیه مرکز اطلاعات مالی، نهاد وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی، پاسخی است به سوال‌های این گزارش. این پاسخ به نوبه خود روشنگر و شفافیت بخش است. به عنوان مثال، مرکز اطلاعات مالی توضیح داد که «درباره پرونده چای دبش، جامع‌ترین و کامل‌ترین گزارش موردنیاز مرجع قضایی مشتمل بر ۱۱ گزارش مکتوب با بیش از هزار برگ سند دقیق و مستدل از فعالیت‌های شبکه مرتبط متهمان با تقاطع گیری بیش از ۱۵ گیگابایت اطلاعات مالی تهیه و برای قوه قضاییه ارسال شد» و «شبکه پولشویی مرتبط با متهمان شناسایی و به مرجع قضایی معرفی شد.» بخش‌های دیگر این جوابیه هم نشان می‌دهد مرکز اطلاعات مالی به عنوان متولی اصلی برخورد با فسادهای مالی و ایجاد شفافیت در نظام مالی با قدرت فعال است. باوجود این همچنان تا نقطه مطلوب فاصله است. وجود این فاصله از این واقعیت در جوابیه فهمیده می‌شود که مرکز اطلاعات مالی به عنوان مهم‌ترین متولی مبارزه با فساد، هنوز به ۲۳ سامانه در کشور دسترسی ندارد. سوال این است: چرا این مرکز نتوانسته این دسترسی‌ها را داشته باشد و چه بخش‌ها، سازمان‌ها یا مقام‌هایی از اجرای قانون و ایجاد این دسترسی‌ها خودداری می‌کنند؟ شناسایی علت متصل نشدن مرکز اطلاعات مالی به این سامانه‌ها، یعنی شناسایی یکی از دلایل ریشه‌ای بروز فساد در کشور.

> مسأله، وجود اراده ای سیاسی است که بتواند بر ضعف ها و مقاومت های بوروکراتیک غلبه پیدا کرده، نظام اداری و اجرایی کشور را وادار کند این سامانه ها را به‌روزرسانی کنند، ارتباطات را برقرار نمایند و همه اطلاعات از بانک ها تا بیمه ها و نقل و انتقال اموال را با یکدیگر به اشتراک بگذارند

اتفاقا «سیاست» یعنی همین، یعنی مساله‌های کاربردی که مشکلی از کشور و مردم حل کند. به عبارت دیگر می‌توان از انحراف سیاست در ایران گفت، زیرا به جای تمرکز بر حل مساله‌ها، روی موافقت با این و مخالفت با آن تمرکز می‌شود، موافقت و مخالفتی که برای مردم آب و نان نمی‌شود.

در نگاهی اجمالی، این همکاری نکردن با مرکز، ناشی از نگاه بخشی و جزیره ای به سازمان متبوع خود است. یعنی مدیران آن ۲۳ سازمان و سامانه، اطلاعات را دارایی سازمانی تلقی می‌کنند. این احتمال هم هست که آنان می‌دانند این دسترسی به معنای شناسایی تراکنش‌های مالی مشکوک است که به برخی مشتریان عمده ارتباط دارد که دوست ندارند این مشتری‌ها را از دست بدهند. اینجا همان جایی است که نظام حکمرانی در کشور باید تکلیف خود را با این سامانه‌ها و سازمان‌ها مشخص کند. زیرا اکنون سامانه‌ها می‌توانند فسادها را هنگام بروز آنها شناسایی کنند یا گلوگاه‌های بروز فساد را شناسایی و آن‌ها را رفع کنند. در این صورت نیازی به تشکیل پرونده‌های سنگین به این صورت و با این تعداد و برخوردهای دیگر نخواهد بود که به مراتب هزینه‌های اجتماعی و سیاسی بیشتری از میزان خود فساد برای کشور دارد. یک نمونه از این بلاتکلیفی حکمرانی درباره نظام داده محور، اجرا نشدن ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم است. براساس این ماده «به‌منظور شفافیت فعالیت‌های اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی شامل مواردی نظیر اطلاعات مالی، پولی و اعتباری، معاملاتی، سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می‌شود.» این که چرا از سال ۱۳۹۰ یعنی زمان تصویب این قانون تا امروز این پایگاه اطلاعاتی ایجاد نشده، کلید حل این مساله است که چرا فقط نشان دادن عزم سیاسی برای مقابله با فساد کافی نیست و اعمال اراده سیاسی هم لازم است. زیرا عزم سیاسی قوانین و مقررات را تصویب کرده است، اما به دلیل اعمال نشدن اراده سیاسی، آن عزم سیاسی در حوزه اجرا با ۲۳ دیوار به نام های ۲۳ سامانه و ۲۳ سازمان برخورد کرده است. این سازمان ها و مدیران آنها هر سال به دلایل مختلف از اجرای این قانون سرباز می زنند و هر بار مانع از آن می شوند که نظام مالیاتی و داده های اقتصادی یکبار برای همیشه شفاف و روشن شود. بنا به همه این ملاحظات، مساله امروز کشور پیاده سازی و اجرای سامانه ها نیست، مساله وجود اراده ای سیاسی است که بتواند بر ضعف ها و مقاومت های بوروکراتیک غلبه پیدا کرده، نظام اداری و اجرایی کشور را وادار کند این سامانه ها را به‌روزرسانی کنند، ارتباطات را برقرار نمایند و همه اطلاعات از بانک ها تا بیمه ها و نقل و انتقال اموال را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. مشکل اصلی که جوابیه مرکز اطلاعات مالی مطرح می کند، همین است و همین، گام اولی است که باید در راه شفافیت و مبارزه پیشینی با فساد برداشته شود.

دفاع اجرایی در برابر نقد ساختاری

یادداشت

فرشید فرحناکیان
وکیل دادگستری

انتشار پاسخ رسمی مرکز اطلاعات مالی به یادداشت تحلیلی «اطلاعات مالی؛ نظاره‌گر بزرگ چای دبش»، گرچه حاوی توضیحات آماری و دفاعیات اداری قابل‌توجهی است؛ اما به‌صورت ماهوی، فقط بخشی از نقدهای مطرح‌شده را تضعیف می‌کند و از کنار بخش اصلی؛ یعنی نقد ساختار نهادی و کارکرد هشداردهی این مرکز عبور می‌کند. درواقع، جوابیه مرکز ارتباطات مالی بیشتر ناظر به «کارهایی که انجام شده» است تا «کارهایی که باید می‌شده.» لذا این پاسخ را می‌توان نوعی دفاع اجرایی دانست در برابر نقدی که ذاتاً ساختاری و راهبردی است.

در چند محور، پاسخ این مرکز، انتقادها را تضعیف می‌کند و به‌واسطه آنها این مرکز تا حدی از خود دفاع کرده است. این محورها از این قرار است:

در پرونده چای دبش مرکز صرفاً تماشاگر نبود: مرکز اطلاعات مالی اعلام کرد که در این پرونده ۱۱ گزارش رسمی شامل بیش از هزار برگ سند و ۱۵ گیگابایت داده، برای قوه قضائیه ارسال شده است. این توضیح، به‌ظاهر با ادعای «تماشاگر بودن مرکز» که در یادداشت منتشر شده آمده بود در تضاد است و نشان می‌دهد در این پرونده خاص، مرکز نقش فعالی در تکمیل مستندات داشته است. ادعای نابینایی داده‌ای تا حدی تعدیل می‌شود: در این پاسخ آمده که مرکز از ۴۴ سامانه داده‌ای استفاده می‌کند و اتصال به ۲۳ سامانه دیگر در حال اقدام است. برخی اقدامات پیشگیرانه نیز در جوابیه ذکرشده است: مرکز به تدوین شاخص‌های معاملات مشکوک، آموزش کارکنان و طراحی فرآیندهای شناسایی اشخاص پرخطر اشاره‌کرده است؛ مجموعه‌ای از فعالیت‌های اداری که نشان می‌دهد بخش‌هایی از نظام مبارزه با پول‌شویی فعال است. در مقابل، پاسخ این مرکز به چند محور کلیدی نقد رسانه‌ای مطرح شده اشاره نکرده است:

استقلال نهادی: پاسخ مرکز درباره موضوع وابستگی ساختاری به وزارت اقتصاد و نبود استقلال اداری یا تصمیم‌گیری سکوت کرده است، سکوتی که تأییدی تلویحی بر نقد یادداشت است.

شفافیت نهادی: این پاسخ به‌جز ارجاع به تارنمای مرکز، داده مشخصی درباره نتیجه اقدامات یا میزان کشف واقعی شبکه‌های فساد ارائه نکرده است.

کیفیت و یکپارچگی داده‌ها: اگرچه اعلام شد شبکه‌ای از دسترسی اطلاعاتی وجود دارد؛ اما همچنان پرسش درباره کیفیت و یکپارچگی این داده‌ها بی‌پاسخ‌مانده است.

هشداردهی پیشینی: مرکز از ارسال گزارش‌ها به قوه قضائیه سخن گفته، اما مشخص نکرده است که این گزارش‌ها قبل از کشف فساد چای دبش تنظیم شده یا بعد از آن. اگر گزارش پسینی بوده باشد، نقد اصلی یعنی ضعف در پیش‌بینی و هشدار نسبت به بروز فساد، به قوت خود باقی است.

ضمانت اجرا برای بانک‌ها: مرکز توضیح نداده است با بانک‌هایی که از ارسال گزارش‌های مشکوک خودداری کردند یا گزارش‌های صوری ارائه دادند، چه برخوردی شده است. ضعف ضمانت اجرا، همچنان یک خلأ پابرجاست.

به‌طور خلاصه، مرکز اطلاعات مالی در پاسخ خود می‌گوید: «ما کارکرده‌ایم، گزارش داده‌ایم و اسناد فراوان تولید کرده‌ایم»؛ اما یادداشت رسانه‌ای می‌گوید: «کار شما دیرهنگام و واکنشی بوده و اثر لازم را نداشته است، زیرا ساختار نهادی مرکز به درستی طراحی‌شده است.» از این منظر، هر دو روایت می‌توانند هم‌زمان درست باشند. یعنی مرکز اطلاعات مالی در سطح اجرایی فعال است، اما در سطح نهادی و راهبردی هنوز تا ایفای نقش واقعی به‌عنوان «سیستم هشدار زودهنگام فساد» فاصله دارد.

پاسخ مرکز اطلاعات مالی به‌جای رد کامل نقدها، عملاً آنها را به دو سطح تفکیک می‌کند؛ سطح اجرایی که به معنی فعال بودن مرکز است و سطح نهادی که در آن همچنان با ضعف‌هایی چون استقلال، شفافیت و پیش‌هشداری مواجه است. از این رو این پاسخ را باید توضیحی اداری در برابر نقدی ساختاری دانست؛ تلاشی برای ترمیم تصویر بیرونی، نه بازتعریف جایگاه نهادی.

برای حل چالش‌های نهادی چه باید کرد؟

میثم ملکشاه
پژوهشگر حوزه حکمرانی

پاسخ مرکز اطلاعات مالی، این سؤال را مطرح می‌کند که چرا تاکنون ارتباطات و دسترسی به ۲۳ سامانه مورد نیاز مرکز اطلاعات مالی برقرار نشده، موانع آن چیست و چطور می‌توان این موانع را برطرف کرد؟ برخی نظریه‌ها در پاسخ به اینکه چرا چنین مشکلات توسعه‌ای در کشورهای درحال توسعه حل نشده باقی می‌مانند، «رویکردهای نهادی» را مطرح می‌کنند. به این معنی که ساختارهای نهادی کشور از ظرفیت کافی برای اجرای حکمرانی توسعه‌گرا و نظارتی دقیق و جامع برخوردار نیستند. پس باید راه‌حل مشکلاتی چون دسترسی مرکز اطلاعات مالی به اطلاعات، داده‌ها و سامانه‌های ۲۳ نهاد دیگر، نیازمند اصلاحات نهادی است.

اساساً دلیل شکست راهبردها و چهارچوب‌های توصیه‌ای توسعه درباره ضرورت اصلاحات نهادی در کشورهای درحال توسعه، غفلت از ریشه اصلی شکست اصلاحات نهادی است. ریشه اصلی شکست این اصلاحات که از آن غفلت می‌شود، چیستی روابط و محتوای مناسبات است. برای رفع این نقص است که صاحب‌نظرانی چون «مشتاق حسین‌خان»، «کلسال» و «لنت پریچت» که درباره «استقرار سیاسی» و «توافق سیاسی» پژوهش کرده‌اند، به این ضعف جدی در رویکردهای نهادی اشاره کرده‌اند.

«پریچت، سن و ورکر» در فصل اول اثر خود با عنوان «توافقات و توسعه»، پس از نقد نظریه‌های نهادی، اهمیت و «تأثیرگذاری روابط و توافقات سیاسی» را مطرح و تأکید می‌کنند که فضای تعاملات اقتصادی و بازار، و به‌تبع آن توسعه یافتن یا رانتی شدن اقتصاد هر جامعه، تا حد زیادی متأثر از روابط سیاسی و اراده نخبگان سیاسی آن جامعه است. اینان براساس دو شاخص «هدف‌گذاری فعالان اقتصادی» (بازار داخلی یا صادرات) و «نحوه کسب سود» (رقابت، یا رانت و انحصار)، فعالان بازار و اقتصاد هر جامعه را به «معجزه گران» و «بنگاه‌های کارگری» طبقه‌بندی می‌کنند. بنا به رویکرد آنان، نه قوانین و مقررات رسمی، بلکه نوع رابطه و توافق میان این گروه‌های اقتصادی با نخبگان سیاسی و برخی نهادها است که جهت‌گیری سیاست‌ها و رفتار واقعی نهادهای جامعه را رقم می‌زند. به دیگر سخن، درحالی‌که رانت جویان به دنبال انحصار، فضای بسته و «توافقات غیرمنظم» به معنای توافقات شخصی، غیردستورالعملی و کوتاه‌مدت هستند، معجزه گران و بنگاه‌های کارگری سود خود را در «توافقات منظم» که دستورالعملی است و در فضای گشودگی و توسعه معنا می‌یابد، جست وجو می‌کنند.

نکته مهم در اینجا نفوذ و تأثیرگذاری هرکدام از این گروه‌های اقتصادی بر ذهنیت و تفکرات تصمیم سازان و نخبگان است. زیرا در کشورهای درحال‌توسعه، توافق و تعامل فردی بیش از قانون جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که روابط فعالان اقتصادی با حوزه سیاست می‌تواند بر جهت‌گیری این نهادها تأثیر بگذارد. بنابراین، تغییر در شرایط موجود را باید در اراده سیاسی و روابط قدرت در هر جامعه‌ای جست وجو کرد.

بحران‌ها و هم‌آیندی چالش‌ها، درعین‌حال که خطر هستند، می‌توانند فرصت هم باشند. بحران‌ها فرصت مناسبی برای اصلاحات نهادی برای رهایی از چالش‌ها و نظم‌بخشی به تعاملات و توافقات حوزه سیاست در مسیر حل چالش‌ها هستند. بنابراین اصلاحات نهادی، پروژه همکاری گروه‌های اجتماعی و اقتصادی پیشرو و توسعه‌طلب و نیز نخبگان توسعه‌گرای حاضر در حوزه سیاست است. در این صورت، ساماندهی نظام اطلاعات و داده‌ها در کشور به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام سیاست‌گذاری شواهدمحور، باید از سوی مصلحان جامعه به یک خواست ملی تبدیل شود تا این خواست ملی درنهایت بر ذهنیت سیاست‌گذار تأثیرگذاشته و بتواند موانع توسعه و موانع تکمیل حکمرانی داده‌محور را از پیش رو بردارد. چراکه وفاق سیاسی توسعه‌گرا از گذرگاه چنین توافقات سیاسی‌ای ظهور و بروز می‌یابد.

آگهی مزایده اجاره

دانشگاه صنعتی امیرکبیر در نظر دارد از طریق مزایده عمومی (اجاره) و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) و با شماره مزایده ۵۰۰۴۰۹۵۲۲۹۰۰۰۰۳ به‌صورت الکترونیکی نسبت به واگذاری فضا اقدام نماید.

زمان انتشار در سایت: ساعت ۸ صبح دوشنبه ۱۴۰۴/۷/۷
مهلت دریافت اسناد مزایده: ساعت ۱۵ یک‌شنبه ۱۴۰۴/۷/۲۰
تاریخ بازدید: از ۱۴۰۴/۷/۷ لغایت ۱۴۰۴/۷/۱۴ ساعت ۸ الی ۱۴
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۵ چهارشنبه ۱۴۰۴/۷/۳۰
بازگشایی: شنبه ۱۴۰۴/۸/۳
اعلام به برنده: شنبه ۱۴۰۴/۸/۳
ضمنا رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.
۲. کلیه اطلاعات مورد اجاره شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره از طریق برد اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.
۳. علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره‌های مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه ستاد (۴۱۹۳۴-۰۲۱) تماس حاصل نمایند.

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

رایتل RightTel

مزایده عمومی انواع باتری مخابراتی معیوب و مستعمل (معاوضه) به شماره ۱۲۴

شرکت خدمات ارتباطی رایتل در نظر دارد انواع باتری مخابراتی معیوب و مستعمل خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرح اسناد مزایده معاوضه نماید.

بر این اساس از تمامی اشخاص حقوقی دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مزایده، حداکثر تا روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ به نشانی اینترنتی https://sama.rightel.ir مراجعه کنند.

تضمین شرکت در مزایده (ضمانت‌نامه بانکی/چک تضمین‌شده بانکی/چک شرکتی):
مبلغ: ۲/۸۵۰/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون) ریال.

زمان و مکان تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ به نشانی تهران، خیابان ولی‌عصر(عج)، روبروی پارک ملت، خیابان استاد نجف دریابندری (ارمغان غربی سابق)، تقاطع مهرداد، پلاک ۸، دبیرخانه حراست

راه‌های ارتباطی جهت کسب اطلاعات بیشتر
۰۲۱-۲۷۶۵۴۶۰۹
Tenders@rightel.ir